فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هفتم. زمستان ۱۳۹۷، صص ۶۱-۳۷ Vol 3. No 27. 2018, p 37-61
شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸) ISSN: (2538-6395)

بررسی حقوقی ازدواج با فرزند خوانده در حقوق ایران

حدیثه رضائیان علی بیگلوئی
دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران
hadisrezaeiyan.ut@gmail.com

چکیده

فرزند خواندگی نهادی حقوقی، اخلاقی و اجتماعی است که به واسطه آن، رابطه‌ی خاص حقوقی بین کودک بی‌سرپرست یا بدسرپرست و زن و شوهر یا زن فاقد شوهر و اولاد، تحت شرایط و ضوابط خاصی به وجود می‌آید. در بعضی از کشورها که فرزند خواندگی کامل وجود دارد، فرزند خوانده‌ها در ردیف فرزند واقعی از تمامی حقوق و مزایای فرزندی از جمله حقوق ارثیه برخوردارند. در این نوشتار مسأله ازدواج با فرزندخوانده در فقه و حقوق موضوعه ایران مورد بررسی قرار گرفته است. پس از تصویب قانون «حمایت از کودکان ونوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست»مصوب ۱۳۹۲، موضوع ازدواج سرپرست با فرزندخوانده به یکی از موضوعات پربحث به ویژه در فضای رسانه ای و مجازی تبدیل شد. در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون حمایت از کودکان بدسرپرست و بی سرپرست، در تبصره ۲۶ این قانون مقرر شد: «ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزند خوانده ممنوع است، مگر این که دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی از سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد». از آن جا که بر اساس آیات، روایات و فتاوای فقها، نهاد فرزندخواندگی کامل در اسلام مورد پذیرش قرار نگرفته است، در حقوق ایران نیز نهادی به عنوان فرزندخواندگی به این مفهوم که فرزندخوانده از هر حیث در حکم فرزند واقعی باشد وجود ندارد و فرزندخواندگی در حقوق ایران بر خلاف حقوق برخی کشورها نمی‌تواند سبب ایجاد هیچ‌گونه جدایی و انفصالی در هیچ سطحی میان فرزندخوانده و خانواده اصلی وی گردد. از این رو بر اساس ادله اولیه، دلیلی بر حرمت نکاح بین شخص تحت سرپرستی با سرپرستان وی وجود ندارد. با این حال تصریح برجواز ازدواج سرپرست با فرزند خوانده در قانون حمایت ازکودکان بی‌سرپرست مصوب سال ۱۳۹۲ کاملا غیر ضروری به نظر می رسد؛ چرا که با وجود عدم ابتلا و نیز حساسیت زا بودن مساله در سطح داخلی و خارجی و با عنایت به ملاک کراهت ازدواج قابله و مربیه با فرزندی که به دنیا آورده به عنوان امری مطرح در فقه و روایات ما، قانون گذار به راحتی می توانست نسبت به این مساله

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

همانند قانون منسوخ سال ۱۳۵۳ سکوت اختیار کند؛ بی آن که خلایی جدی در این باره به وجود آید. لذا پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از آسیب و فروپاشی نهاد خانواده، حمایت بدون تبعیض از کودک در برابر آسیب‌های جبران ناپذیر و حفظ حقوق مادی و معنوی زنان، اصلاح این تبصره هرچه سریع تر در دستور کار مقنن قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج با فرزند خوانده، حمایت از کودکان، کودک آزاری، سرپرست.

مقدمه

نهاد کهن خانواده قدمتی به بلندای تاریخ بشری دارد. نیازهای بشر، از بدو تولد، زندگی او را تحت تأثیر قرار می دهند. این نیازها به دو دسته نیازهای اولیه یا حیاتی و نیازهای ثانویه یا اساسی تقسیم می‌شوند: دسته اول نیاز به اکسیژن، آب، غذا، استراحت و غریزه جنسی و نظایر آن را شامل می‌شود و مؤلفه‌هایی چون امنیت، تعلق (دوست داشتن و دوست داشته شدن احترام و منزلت، فهم و درک متقابل، تکریم زیبایی و خودشکوفایی در دسته دوم قرار می‌گیرند (سیفرت[1] ۱۹۹۱، ۲۳۸). اغلب نیازهای دسته اول برای زنده ماندن و دسته دوم برای یک زندگی کیفی لازمند و خانواده نقش اصلی و عمده در برآورده کردن این نیازها دارد (محمودیان، ۱۳۸۷، ۸۸-۸۷).

افراد گاه به خاطر ناتوانی در انجام تکالیف و مسئولیت‌های والدینی شان (از جمله نگهداری، فراهم نمودن غذا، لباس، سرپناه و مراقبت های بهداشتی، امکانات آموزشی) از حقوق خود (شامل حق تصمیم گیری در خصوص آموزش، مراقبت، مذهب، انتقال ارزش‌ها به کودک و حضانت) نسبت به فرزندشان اعراض می‌کنند و گاه به دلایلی این حقوق و مسئولیت‌های آنان به طور غیرارادی و حتی برخلاف میل آنان موقتا به حالت تعلیق در آمده و یا سلب می شود (از جمله محکومیت کیفری پدر مادر یا والدین یا فوت آنان، سوءرفتار با کودک، غفلت یا سوءاستفاده از او و. . .). در مقابل افرادی هستند که بنا به دلایلی مثل نازایی یا تجرد امکان داشتن فرزند به طور طبیعی برای آنان فراهم نمی شود. نهاد فرزند خواندگی پاسخی به نیاز این دو گروه از افراد است.

«از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» (اصل دهم قانون اساسی و حمایت از کودکان بی سرپرست باید توسط دولت با رعایت موازین اسلامی تضمین گردد (اصل ۲۱ قانون اساسی). بر همین مبنا قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در سال ۱۳۹۲ تصویب شد و با محوریت حق کودک بر تعلق و پرورش در خانواده با حفظ و رعایت مصالح وی تدبیری برای زوجین محروم از فرزند نیز بود تا بنای

1. Seifert

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

محبت و عاطفه ای را که بنیان نهادند با حضور یک کودک استمرار و بقا بخشند. البته دختران مجرد و افراد دارای فرزند نیز می توانند متقاضی چنین کودکانی باشند (ماده ۵ قانون مارالذکر)

یکی از مقررات بحث برانگیز این قانون، تبصره ماده ۲۶ آن است که اشعار می دارد: «. . ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزند خوانده ممنوع است، مگر این که دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی از سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد. » تا پیش از آن جامعه شاهد سکوت قانونگذار درباره ازدواج با فرزندخوانده بود و در قانون سال ۱۳۵۳ کودکان بدون سرپرست اشاره ای به آن نشده بود، چراکه فرزند خوانده در عداد هیچ یک از محارم سببی، نسبی و رضاعی نبود و آیاتی از سوره احزاب هم مستقیما به این موضوع پرداخته بود، ولی اگرچه حرمت ازدواج بین فرزندخوانده و والدین فرزندپذیر شرعا وجود نداشت ولی قبح آن در میان عامه مردم به لحاظ اخلاقی و انسانی کافی بود که چنین ازدواج هایی رخ ندهد یا در موارد استثنایی به شکل نادری اتفاق بیفتد. [۲]

مخالفان ازدواج با فرزندخوانده دلایل عقلی متعددی را برای آن نقل می کنند و موافقان آن بدون رد این دلایل عقلی، با اعتقاد به عبادی بودن و توقیفی بودن احکام در زمینه خانواده، ممنوعیت ازدواج با فرزندخوانده را خلاف نص می دانند و توجهی به مبنا و فلسفه تشریع آن ندارند.

در این تحقیق با آسیب شناسی این تبصره قانونی به لحاظ پیامدهایی که می تواند برای خانواده به لحاظ قداست و استحکام و برای فرزندخوانده به لحاظ حمایت از وی داشته باشد، بررسی شده است و با عنایت به اصول قانون اساسی و این که کلیه قوانین باید در پرتو این اصول تدوین و تفسیر شوند، پیشنهاد می شود این تبصره در اسرع وقت مورد بازنگری و اصلاح واقع شود تا از پیامدهای جبران ناپذیر آن پیشگیری شود.

۱-اصل پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی

از آن جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. بی شک حفظ قداست این نهاد بی بدیل مستلزم توجه ویژه به آن در تمامی زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی است. در این شاخه از حقوق مدنی اخلاق و مذهب سهم بارز و مهمی دارد. پیمان نکاح علاوه بر یک قرارداد خصوصی، چهره مذهبی و مقدسی هم دارد و از دیرزمان با آئینی همراه بوده که آن را از سایر قراردادها جدا می سازد. هدف این بخش از حقوق با معاملات و تعهدات قراردادی تفاوت دارد. باید در تلطیف و اخلاقی کردن قواعد کوشید و سرنوشت

۲. یکی از اساسی ترین کارکردهای ازدواج در دین اسلام احساس آرامش برای زوجین می باشد. «و من آیاته أن خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» از آیات او این است که برای شما از خود شما همسرانی آفرید تا به سوی آنان میل کنید و آرامش بگیرید و بین شما مودت و رحمت قرار داد و در همین نشانه هایی هست برای مردمی که تفکر کنند. (روم/۲۱)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

خانواده را فدای منطق خشک حقوق نساخت؛ به مصلحت اندیشی پرداخت و آرمان های اخلاقی را در تعبیر قواعد مؤثر ساخت. . . (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۲۰ و ۲۱).

از دولت نیز انتظار می رود که در تصویب قوانین، هدف حمایت از افراد آسیب پذیر، حفظ سنت‌ها و اخلاق عمومی در برابر سوءاستفاده، تجاوز یا کاهلی و بی قیدی را دنبال کند و در صورتی که هدف از آن اجرای سیاست‌های دولت و تغییر ساختار روابط خانوادگی و شکستن ارزش های اخلاقی باشد، خطرناک است و با مقاومت روبه رو می‌شود و کنج خلوت و پناهگاه مقدسی را که سالیان دراز برپا شده است، به آشوب می کشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۸).

۲-پاسداری از قداست خانواده

مقدس به مفهوم پاک و پاکیزه و منزه و قداست وضع یا کیفیت مقدس بودن است (دهخدا). طهارت از عیب و نقص و پلیدی است و بیشتر ناظر بر جنبه معنوی است. قداست دربردارنده معنایی اخلاقی است و خانواده در اسلام دارای یک ارزش بنیادین در جهت کمال انسانی است و چنین قداستی در قیاس با روابط آزاد و بی ضابطه پدیدار می‌شود و عقد نکاح به عنوان پیونددهنده زن و مرد مورد تأیید و توصیه الهی است که هدف آن نه صرفا لذت گرایی و خودخواهی که تعالی معنوی و شکوفایی جسمی، روحی و اخلاقی است (آیت اللهی و همکاران، ۱۳۹۴، ۷۱-۷۰).

اسلام برای خانواده قداست و منزلت خاصی قائل است. تعبیراتی که در قرآن و روایات درباره خانواده آمده است، به خوبی این مدعا را روشن می نماید. خداوند متعال، در سوره مبارکه نساء، از پیوند ازدواج به عنوان «میثاق غلیظ» یا پیمان محکم یاد می کند.[۳]در سوره مبارکه نحل، خانواده نعمت خداوند» نامیده شده[۴] و پیامبر خدا فرموده اند: «در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خداوند عز و جل محبوب تر و ارجمندتر از ازدواج باشد»[۵]

هر پدیده ای که انسان با آن در ارتباط است هرچه ارزشمندتر ارزیابی شود، اهمیت بیشتری می‌یابد و در جهت حفظ آن تلاش بیشتری می‌شود. خانواده نیز، هرچه نزد افراد قداست یابد، ارزش بیشتری پیدا می کند و انگیزه نگهداری و پاسداری از آن، افزون می شود.

---

۳. یکی از مقامات رسمی در اظهارات خود در حاشیه نشست تخصصی «نقد و بررسی قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست» که در تاریخ یکشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۲ توسط پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد این آمار را ۱۳ فقره تا زمان تصویب قانون جدید اعلام کرد.

۴. «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» «و چگونه آن (مهر) را می ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته اید و آنان از شما پیمای استوار گرفته اند. » (نساء/۲۱)

۵. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ» «و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید آیا باز هم به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند. » (نحل/۷۲)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

جدا نگه داشتن امور مقدس از پلیدی ها و ناپاکی ها نیز امری بدیهی است و خانواده به عنوان یک نهاد مقدس نیز از آن مستثنی نیست؛ به این معنا که نباید شرایط و زمینه هایی فراهم شود که این نهاد قدسی که با اجتماع زن و مرد ایجاد شده تا در آن آرامش یابند و آن که رحمت و مودت بین زوجین برقرار می‌کند، خداوند باری تعالی است، دچار پلیدی و ناپاکی شود. ممنوعیت ازدواج با درجه ای از محارم سببی و نسبی[۶] و برخی احکام کیفری در حوزه خانواده که پاره ای از ملاحظات باعث تشدید آنها نسبت به موارد مشابه است خود مؤید این معناست که به دلیل ارتباط آن با حفظ قداست خانواده و پیشگیری از رواج ناپاکی و پلیدی در آن، ذیل این عنوان مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱-۲-ممنوعیت ازدواج با محارم عاملی در جهت حفظ قداست خانواده

امروزه اصل ممنوعیت ازدواج با محارم یک اصل جهانی است. [۷]در جوامع، ادیان و نظام های حقوقی مختلف و در سلسله روابط خویشاوندی و خانوادگی، طبقات ممنوعه ای وجود دارد که ایجاد پیوند زناشویی بین آنان ممنوع است. برخی از این محرومیتها از قرابت نسبی تا درجهای خاص ناشی می‌شوند؛ برای مثال، در قوانین اسلامی[۸]پیوند زناشویی با پدر و مادر و اجداد، اولاد هر قدر که پایین برود، و خواهر و برادر و فرزندان آنان و همین طور با دایی، خاله، عمه و عموی خود و پدر و مادر و اجداد و جدات حرمت ابدی دارد. [۹]حتی این حرمت نکاح در مورد فرزندان نامشروع هم وجود دارد. خطر بروز بیماری‌های نهفته در فرزندان در این گونه از دواج ها، اهمیت روابط جنسی در استحکام پیوند زناشویی و عدم جاذبه، کشش و تمایل جنسی لازم بین محارم و لزوم گسترش ارتباطات اجتماعی از طریق ازدواج با

۶. «ما بنی فی الإسلام بناء أحب إلی الله عزوجل، وأعز من التزویج» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲)

۷. «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا» « با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود در آورده اند نکاح مکنید مگر آنچه که پیشتر رخ داده است چرا که آن زشتکاری و آمایه) دشمنی و بد راهی بوده است» (نساء/۲۲) «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» «نکاح اینان بر شما حرام شده است مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادرهایتان که به شما شیر داده اند و خواهران رضاعی شما و مادران زنانتان و دختران همسر استان که (آنها دختران)در دامان شما پرورش یافته اند و با آن همسران همبستر شده اید پس اگر با آنها همبستر نشده اید بر شما گناهی نیست که با دخترانشان ازدواج کنیدا و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند و جمع دو خواهر با همدیگر مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد که خداوند آمرزنده مهربان است. » (نساء/۲۳)

۸. با مراجعه به تاریخ در می یابیم که ازدواج با محارم به ویژه در برخی از خاندان های سلطنتی به جهت افکار ناسیونالیستی و حفظ برتری و عدم آمیزش با افراد دیگر معمول بوده است. برای اطلاع بیشتر رک: حقانی زنجانی، حقوق خانواده در اسلام، صص. ۱۰۱-۱۰۰.

۹. «حرام شده است بر شما مادر افتان و دختران و خواهران و عمدها و خاله ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرانی که شما را شیر داده اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسر و دختران همسرتان که در دامان شما پرورش یافته اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید و چنانچه آمیزش جنسی با آنها نداشته اید (دختران آنها برای شما مانعی ندارد و همچنین همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده ها) و (نیز حرام است بر شما این که جمع میان دو خواهر کنید مگر آنچه در گذشته واقع شده خداوند آمرزنده و مهربان است. » (نساء/۲۳)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

غیرمحارم[۱۰]از علل عمده این ممنوعیت است. در کنار آن، رواج دیدگاه جنسی میان بستگان نزدیک را می‌توان عاملی مخرب برای حفظ تقدس نهاد خانواده و مناسبات خانوادگی و انسجام آن تلقی نمود.

همین عامل اخیر موجب شده است درجه ای از خویشاوندی سببی نیز از دیگر موانع نکاح تلقی شود. در اسلام ازدواج با والدین همسر و اجداد وی و زن پدر یا شوهر مادر و والدین، اجداد، فرزندان و نوههای آنان حرمت دارد(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۸-۳۲۷) و جمع بین زن و برخی اقوام او نیز تابع شرایطی است. [۱۱]«امکان زناشویی با خویشان همسر نیز نظم خانواده را مختل می سازد و از گسترش خانواده ها و پرورش عاطفه نوع دوستی جلوگیری می کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۲۱). در واقع امر اگر مانعی برای ازدواج با خویشان نزدیک همسر نباشد، باز موجب ترویج نگاه جنسی در خانواده می شود و حتی با عدم تحقق آن نیز جو روانی نامناسبی حاکم و امنیت روانی زوجین مختل می شود و در صورت تحقق نیز می‌تواند باعث کینه و دشمنی بین نزدیک ترین افراد در خانواده شود. مؤید بودن این حرمت خود شاهدی بر این مدعا است.

قرابت ناشی از شیرخوارگی یا مانع رضاعی از موانع دیگر نکاح بین مادر رضاعی، والدین، اجداد و خواهر و برادر و شوهر او با فرزند رضاعی است. فلسفه تحریم محارم رضاعی این است که کودک بر اثر پرورش گوشت و استخوانش با شیر شخص معین، به فرزندان او شباهت پیدا می‌کند. مثلا زنی که کودکی را به اندازه ای شیر می دهد که بدن او با آن شیر نمو مخصوصی می کند، یک نوع شباهت در میان آن کودک و سایر فرزندان آن زن پیدا می‌شود و در حقیقت هر کدام جزئی از بدن آن مادر محسوب می گردند. [۱۲] البته «لزوم شیر خوردن طفل به طور مستقیم و در آغوش زن، پیش از دو سالگی، یعنی زمانی که کودک به لحاظ نیازهایش کاملا وابسته به مادر است و حتی این که شیر حاصل از حمل ناشی از نکاح صحیح باشد، حاکی از این است که چیزی بیش از تغذیه طفل، یعنی رفتار مادرانه موجب حرمت است (شریعتی نسب، ۱۳۹۰، ۲۱۲).

سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که اگر با پیشرفت علم پزشکی بتوان از اختلالات ژنتیکی و بروز بیماریهای نهفته و غالب جلوگیری و هم چنین اثبات کرد که جاذبه جنسی لازم برای حفظ خانواده در

---

۱۰. ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی: «نکاح با اقارب نسبی ذیل ممنوع است اگر چه قرابت، حاصل از شبهه یا زنا باشد:
• نکاح با پدر و اجداد و با مادر و جدات هر قدر که بالا برود؛
• نکاح با اولاد هر قدر که پایین برود؛
• نکاح با برادر و خواهر و اولاد آن ها تا هر قدر که پایین برود؛
• نکاح با عمات وخالات خود و عمات وخالات پدر و مادر و اجداد و جدات»

۱۱. ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی: «نکاح بین اشخاص ذیل به واسطه ی مصاهره ممنوع دائمی است:
• بین مرد و مادر و جدات زن او از هر درجه که باشد اعم از نسبی و رضاعی
• بین مرد و زنی که سابقا زن پدر و یا زن یکی از اجداد یا زن پسر یا زن یکی از احفاد او بوده است هر چند قرابت رضاعی باشد؛
• بین مرد با انث از اولاد زن از هر درجه که باشد ولو رضاعی مشروط بر این که بین زن و شوهر زناشویی واقع شده باشد. »

۱۲. ماده ۱۰۴۸ قانون مدنی: «جمع بین دو خواهر ممنوع است اگر چه به عقد منقطع باشد. » ماده ۱۰۴۹ قانون مدنی: «هیچ کس نمی تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود. »

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

این صورت نیز وجود دارد و با گسترش ارتباطات اجتماعی، ازدواج با غیرمحارم دیگر اهمیت خود را بدین جهت از دست داده است، آیا می توان چنین محدودیتی بر حق ازدواج را غیرمنطقی و خلاف حقوق بشر دانست؟ (غدیری، ۱۳۹۳، ۵۵) به نظر می رسد آن چه دلیل اصلی ممنوعیت ازدواج با محارم است جلوگیری از ترویج نگاه جنسی در خانواده است که کانون مقدس خانواده را تبدیل به فضایی حیوانی برای ارضای شهوات می کند و به راستی با چنین تقدس زدایی از آن چه تفاوتی بین انسان و حیوانات می‌توان قائل شد؟

در مورد فرزندخوانده نیز نکاح موقتی که بین دخترخوانده و پدر پدرخوانده برای محرمیت جاری میشد و همین طور تلاش برای محرمیت رضاعی در صورت امکان، اگرچه به صورت صوری و برای اثر فرعی و ثانویه یعنی حرمت نکاح با همسر پدر مادر خوانده جاری می‌شود و قصد جدی برای اثر اصلی و اولیه نکاح وجود ندارد، ولی عسر و حرج ناشی از عدم محرمیت و پیامدهای منفی که می‌تواند قداست و استواری خانواده را تحت الشعاع و اعضای آن به ویژه کودک را در معرض آسیب جدی قرار دهد، آن را توجیه می‌کند، هرچند به زعم برخی در این خصوص باید دست از ظاهر سازی برداشت و مشکل را از ریشه حل نمود (شریعتی نسب، ۱۳۹۰، ۲۱۶)، چرا که برای مثال ممکن است به دلیل تطویل روند واسپاری کودک به یک خانواده، وی از سن شیرخوارگی خارج شده باشد یا به هر دلیلی امکان ازدواج موقت هم نباشد.

۲-۲-تشدید مجازات زانی با محارم و زناکار محصن

اسلام مانند سایر امور اجتماعی درباره ازدواج و تشکیل خانواده احکام متعددی دارد و در قرآن نیز آیات متعددی به موضوع خانواده پرداخته است و در این میان وجه مشترک بسیاری از این آیات، حفظ نهاد خانواده و صیانت آن از انحطاط و سقوط این نهاد مقدس می‌باشد، البته این آیات جدای از شرایط فرهنگی و اجتماعی آن زمان و وضعیت جامعه آن روز نبوده و وجود احکام امضایی در کنار احکام تأسیسی شاهدی دال بر این ادعا است.

زنا از دیرباز نه تنها در همه ادیان الهی که در قوانین بشری ممنوع بوده و معمولا کیفرهایی سخت برای مرتکبان آن پیش بینی شده است (نوبهار، ۱۳۸۹، ۱۲۷). خداوند در تعلیل جرم انگاری زنا، از شیوه ارجاع به فطرت و طبیعت انسان بهره جسته است. اگر قرآن مجید علت جرم انگاری زنا را برخی مفاسد اجتماعی آن ذکر می کرد، ممکن بود جنبه های اخلاقی و زشتی ذاتی آن کم اهمیت تلقی شود. حفظ عفت و عصمت برای آدمی خواه مرد و خواه زن، از تمایلات فطری و جبلی است و خداوند برای بدی زنا، همین گرایش فطری و طبیعی بشر را شاهد آورده است (نوبهار، ۱۳۸۹، ۱۲۹).

جرم انگاری زنای با محارم و همین طور جرم انگاری زنای محصنه[۳]توسط قانونگذار، یکی از بارزترین احکام در حفظ قداست نهاد خانواده است. زنا با محارم نسبی و زن پدر مستوجب اشد مجازات یعنی اعدام

۱۳. ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی: «قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح در حکم قرابت نسبی است مشروط بر این که

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

است (ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی) و حد زنا برای زانی محصن و زانی محصنه، رجم[۱۴] یا با شرایطی مجازات اعدام است (ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی، در حالی که به جز در تجاوز به عنف که عنف در آن عامل مشدده و زنای مرد غیر مسلمان با زن مسلمان که غیر مسلمان بودن زانی عامل تشدید مجازات است، در سایر موارد مجازات خفیف تر یعنی حد تازیانه نسبت به زانی و زانیه جاری می شود (ماده ۲۲۹ و ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی). سختگیری نسبت به زنای با محارم نسبی و سببی و همین طور زنای محصنه برای حفظ قداست خانواده و دور نگه داشتن آن از رواج نگاه های جنسی و شهوت رانی و هوس بازی است و حفظ آن در برابر این گونه ناپاکیها و پلیدیها است؛ حتی اسلام پا را فراتر گذاشته و نکاح با محارم رضاعی را ممنوع و حتی در روایات، به کرهی بودن نکاح با مامایی که طفل را به دنیا آورده نیز تأکید شده است (احمدیان، ۱۳۹۳، ۶۱-۵۸).

۳- حفظ استحکام خانواده

روح حاکم بر خانواده، کمک و همیاری و اصل در آن بقا و دوام است (آیت اللهی و همکاران، ۱۳۹۴، ۷۱). تلاش زوجین باید در جهت استحکام این نهاد باشد و ناملایمات و کاستی ها نباید بهانه ای برای جدایی و انحلال این نهاد باشد؛ هرچند در اسلام منفورترین حلال ها یعنی طلاق به عنوان آخرین راه چاره پذیرفته شده است.

عواملی که به استواری و استحکام نهاد خانواده کمک می‌کند، متعددند و حتی ادعا می‌شود که تبدیل طلاق به امری تشریفاتی، مشروط کردن امکان تقاضای طلاق برای زن و همین طور تا حدودی برای مردان، مشروط کردن اختیار همسر دیگر به شرایطی (ماده ۱۶ ق. ح. خ ۱۳۵۳) به هدف حفظ و استمرار خانواده انجام گرفته است که البته جای بحث‌های فراوانی دارد و صد البته تدابیر پیشگیرانه و حافظ نهاد خانواده باید از زمان کودکی و سال‌های قبل از ازدواج آغاز و در قالب حمایت‌هایی در حین و بعد از ازدواج و از جمله حمایت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ادامه یابد (غدیری، ۱۳۹۳، ۳۴)؛ ولی آنچه به

اولا: شیر زن از حمل مشروع حاصل شده باشد؛

ثانیا: شیر مستقیم از پستان مکیده شده باشد؛

ثالثاً، طفل لااقل یک شبانه روز و یا ۱۵ بار متوالی شیر کامل خورده باشد بدون این که در بین، غذای دیگر یا شیر زن دیگر را بخورد؟

رابعا: شیر خوردن طفل قبل از تمام شدن دو سال از تولد او باشد؛

خامسا: مقدار شیری که طفل خورده است از یک زن و از یک شوهر باشد. بنابراین اگر طفل در شبانه روز مقداری از شیر یک زن و مقداری از شیرزن دیگر بخورد موجب حرمت نمی شود اگر چه شوهر آن دو زن یکی باشد و همچنین اگر یک زن، یک دختر و یک پسر رضاعی داشته باشد که هر یک را از شیر متعلق به شوهر دیگر شیر داده باشد آن پسر و یا آن دختر برادر و خواهر رضاعی نبوده و ازدواج بین آن ها از این حیث ممنوع نمی باشد. »

۱۴. «والمحصنات من النساء. . . » «و زنان شوهردار نیز بر شما حرام شده است. . . » (نساء/۲۴) برای اطلاع بیشتر از احادیث و روایات مؤید قداست خانواده رک: حسینی کوهساری، پژوهشی قرآنی در خصوص جایگاه خانواده در اسلام، مجله پژوهش های دینی - تابستان و پاییز ۱۳۸۴ - شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۳۹ برخی از فقها با استناد به روایاتی معتقدند زانی محصن ابتدا باید متحمل تازیانه و سپس سنگسار شود. جواهر الکلام، به نقل از نوبهار، ر (۱۳۸۹). اهداف مجازات ها در جرایم جنسی، چشم اندازی اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

طور خاص در این جا اهمیت دارد رابطه بین استحکام خانواده از طریق فرزندآوری است و این که امکان ازدواج با فرزندخوانده چه تأثیری می تواند بر روابط خانوادگی داشته باشد.

۱-۳- نقش فرزندآوری در استحکام خانواده

یکی از امیالی که در افراد، به ویژه در جوامع سنتی، بسیار قوی جلوه می کند، میل به داشتن فرزند است. این میل به اندازهای قوی است که حتی برخی افراد ازدواج نکرده یا افرادی که تمایلی به ازدواج ندارند نیز متمایلند فرزند داشته باشند و برای برخی حتی انگیزه اصلی ازدواج را تشکیل می‌دهد.

حفظ بقا، ادامه و تعالی نسل، نیاز به جاودانگی و زنده نگه داشتن نام خانوادگی، رفع یکنواختی زندگی معنا بخشیدن به زندگی و تحکیم روابط بین زوجین، علاقه به داشتن کودک و دستورات قومی و مذهبی، از مهم ترین انگیزه های فرزندخواهی هستند و علاوه بر آن، به انگیزه هایی چون فرزند بیشتر به عنوان عاملی جهت قدرتمندی، آسیب ناپذیری و توانمندی اقتصادی اجتماعات و خانواده نیز می توان اشاره کرد که به ویژه در جوامع گذشته اهمیت خاصی داشته است (روشن و غدیری، ۱۳۹۲، ۸۰-۷۹).

کودکان منبع ارزشمندی از احساس وظیفه، تعهد و شادمانی و سرمایه ژنتیکی بی مانندی برای والدین هستند. مراقبت، پرورش و مهرورزی عناصر اصلی رابطه والدین و فرزندان و به ظاهر از غیر اقتصادی ترین فعالیت‌ها هستند و امروزه بر خلاف گذشته کودکان بسیار پرهزینه و دارای کمترین بازگشت اقتصادی برای والدین هستند (غدیری، ۱۳۹۳، ۲۳۹). بنابراین امروزه اصلی ترین مشوق و انگیزه زوجین به ویژه زوجین نابارور برای داشتن فرزند همان حفظ، استمرار و استحکام بنایی است که با عشق و محبت پایه گذاری کردند و فقدان فرزند می تواند به استحکام آن لطمه وارد کند، بدین ترتیب که حتی اگر زوجین، خود این وضعیت را پذیرفته و خواهان ادامه آن باشند در مقابل فشار خانواده ها به لحاظ فرهنگی کمتر می‌توانند مقاومت کنند.

البته عملا از قبل گرمی، دوام و بقایی که وجود فرزند خوانده به این خانواده می بخشد یک کودک محروم از خانواده نیز صاحب خانواده می‌شود، ولی رویکرد قانون با محوریت حمایت از کودک، برخوردار کردن یک کودک از خانواده است که از قبل آن یک زوج نیز صاحب فرزند می‌شود. این دو رویکرد می‌تواند نتایج متفاوتی داشته باشد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۲-۳-اهمیت وفاداری و اعتماد زوجین در استحکام روابط خانوادگی

یکی دیگر از اصول قرآنی تحکیم خانواده، اصل وفاداری است. وفاداری مفهومی گسترده دارد، ولی مقصود ما از این واژه در روابط میان زوجین، تعهد متقابل آن دو در اخلاق جنسی است؛ به نحوی که در امور جنسی از بیگانه چشم بپوشند و ارضای نیازهای خود را در چارچوب خانواده و در کنار همسر خود جست وجو نمایند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بدون شک، وفاداری زوجین به یکدیگر در امور جنسی، وابستگی آن دو را به یکدیگر زیاد می کند و آنان را پایبند به خانواده نگه می دارد و در مقابل، روابط آزاد جنسی، «کاهش دلبستگی زوجین به یکدیگر» و سستی بنیان خانواده را به دنبال دارد.

یکی از عوامل مهم در حفظ تداوم زندگی مشترک، سطح اعتماد بین زوجین است و هرگونه عاملی که به این اعتماد ایجاد خدشه بکند و بی اعتمادی ایجاد کند بنابر مورد می‌تواند در بلندمدت، میان مدت یا کوتاه مدت، تأثیرات نامطلوبی را بر زندگی مشترک به شکل افسردگی، خشونت، طلاق عاطفی و نهایتا طلاق بروز دهد. اعتماد دوام نمی آورد مگر این که این احساس امنیت در زوجین ایجاد شود که طرف مقابل به وی خیانت نمی کند. اعتماد یک شبه به وجود نمی‌آید بلکه زمان می برد ولی می‌تواند در مواضعی که مورد حساسیت زوجین است به سرعت مخدوش شود.

خیانت انجام فعالیتی جنسی و یا عاطفی توسط شخصی است که در یک رابطه متعهدانه صورت می‌گیرد و شامل نقض اعتماد و یا تخطی از هنجارهای توافقی (آشکار یا نهان) در مورد انحصاری بودن عاطفی و ایا جنسی رابطه اولیه است (بلو و هارتنت، به نقل از صلواتی، ۱۳۹۴، ۲۳). در تعریف خیانت شامل ارتباطات هر یک از زوجین خارج از ازدواج در سطوح مختلف می باشد و تهدیدی جدی برای پایداری خانواده محسوب می‌شود، ولی با توجه به پذیرش تعدد زوجات در اسلام، ارتباط فرازناشویی زوج مسلمان خیانت محسوب نمی‌شود ولی همچنان در فرهنگ جامعه ایران این ارتباط بسیار مذموم بوده و غالبا زنان پذیرشی نسبت به این موضوع ندارند. ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ که با تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ هم چنان به قوت خود باقی است نیز اشعار می دارد که در صورت دریافت مجوز ازدواج مجدد به یکی از دلایل مندرج در این ماده، زن می تواند تقاضای طلاق کند یعنی با وجود دلایل مشروعی برای ازدواج مجدد مرد، زن مخیر است که بر اساس منافع و مصالح خود در این زندگی باقی بماند یا از آن منفک شود. این خود حاکی از توجه قانونگذار به این مسئله است که یک زن غالبا پذیرشی نسبت به سهیم شدن زندگی مشترک خود با شخص دیگری را ندارد حتی اگر همسرش دلیل محکمه پسندی که منشاء آن خود او است از قبیل اعتیاد، حبس زن یا عدم توانایی یا تمایل به انجام وظایف زناشویی را برای دریافت مجوز تعدد زوجات به دادگاه ارائه دهد.

ممکن است اظهار شود که زن و مردی که به خاطر عشق و علاقه به یکدیگر مشکل ناباروری خود را نادیده گرفته و به جای جدایی متقاضی آوردن کودکی برای گرمی و استحکام زندگی خانوادگی خود شده اند و با این حد از علاقه فیمابین بعید است که به این فرزند به چشم همسر آینده خود نگاه کنند. در پاسخ باید گفت برای اکثر زوجها اعتماد به یکدیگر، وفاداری، احساس امنیت و تعهد به زندگی مشترک اهمیت دارد و زمینه های بی وفایی در هر مرحله از زندگی مشترک ممکن است ایجاد شود. چه بسا زوجینی که سالها با عشق و علاقه با هم زندگی کرده اند ولی به ناگاه برخی از همین عوامل زمینه ساز، سرنوشتی خلاف انتظار را برای زندگی مشترکشان رقم زده است. برخی دلایلی که بیشتر از بقیه در انواع

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بی وفایی دخیل هستند، عبارتند از: ندانستن مفهوم عشق، ناتوانی در مبادله عواطف و نیازها، نداشتن مهارت حل مسئله با یکدیگر، ناتوانی از انطباق با علایق و نیازهای فردی یکدیگر، نداشتن نگاه صحیح از فردی که با او ازدواج کرده اید، ناتوانی از کنار آمدن با تفاوتهای قومی و فرهنگی، داشتن انتظارات غیرواقعی از ازدواج، کنجکاوی جنسی، نیاز عاطفی، اعتیاد به رابطه جنسی، ملال و خستگی، نداشتن هیجان و سرگرمی با همسر، غرق شدن در مشغله های روزمره و توجه نکردن به همسر» (لاسترمن[15] ترجمه فرزین، زنوزیان و واجب منفرد، ۱۳۹۰، ۴۰-۴۱)

با توجه به این عوامل چرا باید با تجویز چنین امکانی در قانون، نزاع و مشاجره و گاهی رقابت فرزندخوانده با یک طرف برای تصاحب موقعیت نزد طرف مقابل را رقم زد؟! و هرچند با توجه به تفاوت سنی و سن تولید مثل در زنان و مردان کمتر ممکن و به نظر بعید است که این وضعیت در رابطه با مادر خوانده و پسر شکل بگیرد، لیکن هم به لحاظ تاریخی (داستان حضرت یوسف و زلیخا) و هم به لحاظ ازدواجهایی که امروزه بیش از گذشته مردان با زنان بزرگتر از سن خود به دلایل مختلف از جمله دارایی و جمال انجام می‌دهند، نمی توان این فرض را هم نادیده گرفت.

٤- حمایت از کودک: رعایت مصالح عالیه کودک

کودکان آسیب پذیرترین و بی دفاع ترین قشر جامعه هستند که توسط بزرگسالان به این جهان پا نهاده اند و حق دارند به عنوان یک شخص در جامعه جدی گرفته شوند، به حقوق شان احترام گذاشته شود و با مهربانی با آنان رفتار شود. آنان به خاطر فقدان رشد کامل فیزیکی و ذهنی، قبل و بعد از تولد به مراقبت و حمایت هایی از جمله حمایت های مناسب حقوقی برای رشد و پیشرفت جسمی، ذهنی، روحی، اخلاقی و اجتماعی شان مطابق با کرامتشان نیازمندند؛ کرامتی که برای کودکان احساس ارزشمندی و خواسته شدن در کلیه سطوح ارتباط خانوادگی و اجتماعی محقق می سازد و تحقق کیفی حقوق شان در داشتن این احساس و استمرار آن اهمیت ویژه ای دارد.

محیط خانواده اولین محیطی است که کودک به آن پا می گذارد، عشق و محبت را در آن تجربه می کند، در آن نیازهایش برآورده می‌شود، ارزش‌ها آموخته و اجتماعی می‌شوند و مورد حمایت قرار می‌گیرد و مسئولیت پذیری را برای زندگی فردی و اجتماعی آتی می آموزد و والدین اولین کسانی هستند که مسئولیت اولیه رشد و پیشرفت کودک را به عهده دارند و بدین جهت نیز باید مورد حمایت قرار گیرند.

عهدنامه حقوق کودک[16] نیز با تأکید بر این که کودک نباید به طور موقت یا دائم از محیط خانواده محروم باشد، کشورهای عضو عهدنامه را ملزم می کند که طبق قوانین ملی خود، مراقبت های جایگزین دیگری را

---

15. Lusterman

۱۶. عهدنامه حقوق کودک از معدود عهدنامه هایی است که در سطح بین المللی با اقبال عمومی مواجه شده است و ۱۹۵ کشور جامعه بین‌المللی به آن پیوسته اند. ایران نیز با قید این شرط که «دولت جمهوری اسلامی ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دانند که مفاد یا بندهایی از پیمان نامه را که در تعارض با قوانین اسلامی و قوانین داخلی باشد، به اجرا درنخواهد آورد» در سال ۱۳۷۲ به این عهدنامه پیوسته

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

برای این گونه کودکان تضمین نمایند و از جمله این مراقبت ها به نهاد فرزندخواندگی اشاره می کند (ماده ۲۱).

عهدنامه حقوق کودک در بین چهار اصل عمومی منع تبعیض، حق حیات، بقا و پیشرفت و احترام به نظر کودک به مصالح عالیه کودک به عنوان یک مقرره عام و فراگیر[۱۷] اشاره می نماید که به موجب آن در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاهها، مقامات اجرایی، یا ارگان های حقوقی انجام می شود، منافع کودک از اهم ملاحظات می باشد. »

در عهدنامه حقوق کودک مجموعا در ۸ بند به مصالح عالیه کودک با عبارت پردازی های متفاوت بدون آن که تعریفی از آن ارائه شود اشاره شده است (غدیری، ۱۳۹۳، ۱۲۴).

در مورد فرزندخواندگی این مصالح در «رأس سایر ملاحظات» قرار می گیرد (ماده ۲۱)، به طوری که با در نظر گرفتن مصالح کودک، والدین طبیعی، والدین فرزندپذیر و حتی دولت، مصالح کودک تعیین کننده است و بیش از یک ملاحظه ای است که در اول فهرست قرار می‌گیرد و حتی می توان گفت که نزدیک به «تنها ملاحظه» می باشد. [۱۸] به عبارت دیگر در ایجاد تعادل بین منافع، منافع کودک غالب است.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که در مورد فرزندخواندگی به عمد به جای عبارت از اهم ملاحظات» از عبارت «در رأس سایر ملاحظات» استفاده شده است که نتایج خاصی را در فرایند فرزند خواندگی به دنبال خواهد داشت. [۱۹]

یکی از مشکلاتی که در تشخیص مصالح عالیه کودک وجود دارد، عدم ارائه تعریف و معیارهای عینی برای تشخیص این مصالح است که موجب تفاسیر متفاوت از این مفهوم در فرهنگ های مختلف می‌شود؛ [۲۰] ولی به نظر نمی رسد تشخیص مواردی که نه تنها به مصلحت کودک نیست بلکه پیامدهای نامناسبی بر وضعیت وی دارد کار دشواری باشد.

۱-٤- پیامدهای امکان ازدواج با فرزندخوانده

آنچه مسلم است این است که نهاد خانواده بر خلاف سایر نهادها علاوه بر یک عقد و تعهدات ناشی از آن، ارتباط مستقیمی با روح و روان و مسائل اخلاقی و عاطفی اعضای آن دارد؛ بنابراین قانونگذار باید در کلیه قوانینی که به نوعی می توانند متضمن آثاری بر نهاد خانواده باشند دقت لازم را به خرج دهد تا این نهاد را

است. طبق ماده ۹ قانون مدنی مقررات عمودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است و از این رو این عهدنامه برای دولت ایران لازم الاجرا است.

17. General Guidelines Regarding the Form and Content of Initial Reports to Be Submitted by States Parties under Article 44 CRC, Adopted by the CRC Committee , CRC/C/5 (1991).

18. Ibid, p. 60

۱۹. پیش از این نیز در مقدمه و ماده پنج «اعلامیه مربوط به اصول حقوقی و اجتماعی حمایت و رفاه کودکان با اشاره به مراقبت های جایگزین و فرزندخواندگی» مصوب ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره شده است که مصالح عالیه کودک در فرزندخواندگی باید در رأس سایر ملاحظات قرار گیرد.

20. Detrick, S. (1999). *A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child*. Netherland: Martinus Nijhoff Publishers. p. 88

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

درگیر تلاطم و بی ثباتی و همچنین تبدیل به محلی ناامن برای اعضای آن نکند. حتی در سال ۱۳۸۶ بر ضرورت و اهمیت تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های گوناگون تأکید و تکلیف شد در طرح‌های گوناگون که در کشور تنظیم می شود، طرح های پولی و مالی و عمرانی، حتما یک پیوست فرهنگی وجود داشته باشد». هم چنین در نخستین بند سیاستهای کلی برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ و نیز در ماده (۲) قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تهیه پیوست فرهنگی برای طرح های مهم و جدید توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد تاکید و تصویب قرار گرفته است که یکی از ملاحظات مهم آن بررسی تأثیر و پیامد طرح ها بر نهاد خانواده است.

سیاستهای کلی خانواده ابلاغی شهریور ۱۳۹۵ نیز تأکیدات ویژه ای بر حفظ ارزش های اخلاقی و پیشگیری از آسیبها، تحکیم خانواده بر پایه انصاف، رحمت و مودت و توجه به نیازها و مقتضیات جدید می‌کند: تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی اسلامی خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش بخش؛ تحکیم خانواده و ارتقای سرمایه اجتماعی آن بر پایه رضایت و انصاف، خدمت و احترام و مودت و رحمت با تأکید بر فرهنگ سازی و تقویت تعاملات اخلاقی، بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید؛ ممنوعیت نشر برنامه های مخل ارزش های خانواده؛ ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی با پررنگ کردن ارزش های اخلاقی و زدودن پیرایه های باطل از آن حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری؛ پیشگیری از آسیب های اجتماعی و عوامل تزلزل نهاد خانواده به ویژه موضوع طلاق و جبران آسیب های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ سازی کراهت طلاق، از جمله بندهای این سیاست ها است.

بدیهی است قوانینی که مستقیما به موضوع خانواده و اعضای آن مرتبط است نباید فارغ از پیامدها و آثار آن بر این نهاد تدوین و تصویب گردد و از همین رو قانون اساسی نیز در اصل دهم بر این مهم تأکید می‌کند که قوانین باید حافظ قداست و استواری روابط خانوادگی بر پایه اخلاق و حقوق اسلامی باشد. یعنی قاعدتا نباید تصویب قوانین زمینه ساز شرایطی شود که تقدس و استحکام خانواده را نشانه رود.

از سوی دیگر حمایت از کودکان بی سرپرست (اصل ۲۱ قانون اساسی و بدسرپرست نیز یک تکلیف قانونی است و نمی توان قوانینی وضع کرد که به جای حمایت از کودک، این موجود آسیب پذیر را در معرض آسیب ها و مخاطرات بیشتری قرار دهد؛ فلذا رعایت مصالح عالیه کودک در تدوین و تصویب این قوانین جایگاه ویژه ای دارد، به ویژه در مورد چنین کودکانی که از محیط خانواده محروم و در نتیجه با آسیب های جدی روبه رو هستند و اصل عدم تبعیض مستلزم برابری در حمایت قانون صرف نظر از جنسیت است (اصل ۲۰ قانون اساسی)

با این مقدمات باید دید که این تبصره چه پیامدهایی را می تواند برای خانواده و اعضای آن داشته باشد و آیا در چارچوب اصول قانون اساسی توجیه پذیر است که در زیر به آن اشاره می شود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۱-۱-٤- سوء ظن در خانواده و خشونت علیه فرزندخوانده

رابطه مستحکم خانواده بر پایه اطمینان و اعتماد است و یکی از آفت های جدی زندگی خانوادگی، سوءظن در میان اعضای خانواده و به ویژه زوجین است که ستون های استوار زندگی خانوادگی را نشانه می رود. خداوند نیز در قرآن مؤمنان را به دوری از ظن سفارش می کند: «ای مؤمنان، از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره ای از آنها گناه است.»[۲۱]

برای حفظ قداست و استواری خانواده باید زمینه های ایجاد سوءظن در خانواده را رفع نمود و مثل هر آسیب دیگری قطعا پیشگیری بیش از درمان در این زمینه جواب میدهد. گاهی ایجاد ظن و بدگمانی ناشی از نوعی اختلال شخصیتی است[۲۲]و گاهی طرف مقابل با رفتار خود در ایجاد شک و ظن در همسرش سهیم است.

سوءظن ممکن است موجب حساسیت بیش از حد نسبت به رفتار طرف مقابل شود که نتیجه آن ایجاد استرس و اضطراب و از بین رفتن اعتماد به نفس طرف مقابل و پاسخ های اشتباه به فرد مظنون می‌شود و فقط کافی است اختلافی بین زن و شوهر ایجاد شود تا این زمینه تقویت شود و کودک در معرض خطر قرار گیرد.

این که زنی که دچار سوءظن شده است تصور کند که کودکی که به عنوان دخترخوانده خود در دامانش پرورش می‌یابد رقیب وی در زندگی مشترک او با همسرش می‌باشد و یا این که مردی احساس کند علاقهای فراتر از علاقه مادر فرزندی بین پسرخوانده و همسرش ایجاد شده و حتی بدون شکل گیری ارتباطی نامشروع می تواند زمینه جدایی قانونی وی و همسرش و وصلت او با پسرخواندهاش را فراهم کند عواقبش نیازی به توضیح ندارد.

یکی از راههای مبارزه با بدبینی ابهام زدایی است ولی باید توجه داشت که به زبان آوردن این موضوع – چه واقعیت داشته باشد و یا در حد یک سوءظن باشد. چه تبعاتی می تواند داشته باشد و چگونه می تواند حرمت و قداست خانواده و روابط اعضای آن را مخدوش سازد؛ نتیجه این که گاهی ترس از بروز دادن آن و طرح اصل قضیه، طرف مقابل را به واکنش های غیرمستقیم مثل بی مهری و دعوا و مرافعه هایی وامی دارد[۲۳]که دلیلش برای طرف مقابل روشن نیست و فرزندخوانده هدف در دسترس و آسیب پذیر این

---

۲۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات: ۱۲)

۲۲. در خشونت های خانگی یکی از عوامل روانشناختی در فرد آزارگر، سوءظن نسبت به همسر است. فرد مبتلا به این نوع از اختلال شخصیت، بدگمان بوده و از مشخصات آنان بی اعتمادی وسیع به همه افراد است. میزان شیوع اختلال شخصیت پارانویید ۲/۵ تا ۵ درصد در کل جمعیت است و در مردان از شیوع بیشتری برخوردار است. این افراد در بسیاری از اوقات بدون هیچ توجیهی در وفاداری همسر خود شک می کنند و عموما با افسردگی یا حسادت بیمارگونه اقدام به کتک زدن همسر خود می کنند و گاهی نیز قتل همسر توسط شوهر افسرده با هذیان بی وفایی همراه است (جزایری و همکاران، به نقل از شهبازی، ۱۳۹۵، ۲۸). ویژگی های روانی قربانیان خشونت نیز می تواند در بروز همسر آزاری تأثیر داشته باشد.

۲۳. به طور کلی فرد خیانت دیده اغلب با احساساتی مانند شرم، خشم، افسردگی، اضطراب، حس قربانی شدن و نشانه هایی نظیر این دست و پنجه نرم می کند و دچار آشفتگی شدید شده و توانایی برای درست اندیشیدن و رفتار کردن او مختل می شود. برای اطلاع بیشتر از واکنش افراد به خیانت، نک: صلواتی، ۱۳۹۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

واکنش هاست. این جاست که خشونت علیه کودک را نمایان می سازد که حداقل آن در قالب غفلت و بی توجهی به فرزندخوانده و حداعلای آن خشونت های جسمی و روانی نسبت به او است و احتمال فسخ رابطه فرزند خواندگی را به شدت بالا خواهد برد و در مواردی که فرزندخوانده خود در سن تشخیص این مسائل است نیز تبعات منفی مضاعف دیگری این خانواده و اعضای آن را تهدید خواهد کرد.

۲-۱-٤-آزار جنسی کودک

آزار جنسی کودک هر گونه عمل جنسی بین یک بزرگسال و یک کودک به منظور لذت جنسی[۲۴]است. در مفهوم خاص کودک آزاری جنسی به معنی تجاوز یا سوءاستفاده جنسی بزرگسالان نسبت به کودکان و نوجوانان از طریق انجام اعمال جنسی برای ارضای حس شهوانی اطلاق می‌شود و در محل های مختلفی نظیر خانه، مدرسه، جامعه، مراکز مراقبت و مراکز قضایی اتفاق می افتد.

از ویژگیهای این نوع آزارها این است که غالبا توسط اعضای خانواده یا سایر افرادی که در خانه هستند یا به خانه کودک رفت و آمد می کنند انجام می‌شود؛ اغلب از طرف کسانی است که کودک به آنان اعتماد دارد؛ به صورت پنهان و با نقشه قبلی و معمولا با اعمال قدرت ارتکاب می یابد. گاهی آزارگر موضوع را برای کودک آنقدر عادی جلوه می‌دهد که کودک متوجه نمی شود. آزارگران اغلب به کودکان القا یا تهدید می کنند که اگر چیزی بگویند کسی باورشان نخواهد کرد یا ممکن است به طور عمدی کودک را گیج کند تا او حوادث اولیه را خیال پردازی، رؤیا و یا کابوس تلقی و به این ترتیب در افشاگری تردید کند. کودک تحت آزار، ممکن است بعد از مدتی به علت تحریک شدن خود را در معرض سوءاستفاده قرار دهد و حتی از آزارگر حمایت کند. احساس سردرگمی در کودک و ندانستن این که به چه کسی مسئله را بازگو کند؛ رواج فرهنگ سکوت، حفظ راز و انکار به دلیل شرم و سرافکندگی، احساس گناه و احتمال عدم اثبات ادعا و یا عدم باور دیگران و بدنامی؛ سکوت کودک به دلیل عدم آگاهی، تهدید کودک توسط آزارگر و ترس وی از متهم شدن به همدستی و تنبیه شدن و سکوت بزرگسالان به دلیل رعایت مصالح خانواده از ویژگیهای این نوع از کودک آزاری است[۲۵](غدیری، ۱۳۹۳).

حال با توجه به این که بیشترین این آزارها توسط افراد آشنا با کودک و در محیط خانواده و حتی توسط محارم کودک با علم به حرمت آن انجام می پذیرد، چگونه می‌توان این اطمینان خاطر را داشت که با تصریح قانون به امکان ازدواج با فرزندخوانده، زمینه آزار جنسی کودک توسط سرپرست کودک با این

---

۲۴. مالش، لمس یا بوسیدن دستگاه تناسلی کودک؛ وادار کردن کودک به لمس دستگاه تناسلی بزرگسال؛ هر گونه دخول دهانی، مقعدی یا مهبلی؛ کودک را در معرض روابط با تصاویر جنسی بزرگسالان قرار دادن؛ شوخی با جوک های جنسی با کودک یا در حضور کودک؛ هر گونه تجاوز به حریم خصوصی کودک شامل اجبار کودک به برهنه شدن با مشاهده کودک در حمام یا دستشویی؛ اغوا کردن کودک در استفاده برای هرزه نگاری و سایت های جنسی اینترنتی و شبکه های اجتماعی مجازی؛ قرار دادن کودک در معرض فیلم ها و مجلات با محتوای جنسی؛ استفاده از کودک در تهیه فیلم ها و مجلات هرزه نگار؛ وادار کردن کودکان به فحشاء

۲۵. ارایه شده توسط مشاور دبیر علمی چهارمین نشست از سلسله نشست های تخصصی «نقش رهبران دینی در پیشگیری از خشونت علیه کودکان» با موضوع آزار جنسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، اسفند ۱۳۹۳)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

تصور که وی می‌تواند همسر او باشد و صرف نظر از قباحت آن، فراهم نشده است و هم چنین با ترفندهایی که مرتکب نسبت به کودک اعمال می کند چگونه کودک می تواند از دیگران طلب حمایت کند؟! و در صورت عیان شدن این رفتارها چه اتفاقی در نهاد مقدس خانواده رخ می‌دهد و در خوشبینانه ترین شکل، چگونه می‌توان از چنین کودکی حمایت کرد؟! با چنین مقررهای «وسوسه عشقبازی و همسری با چنین موجودی خانواده را به کانون معشوق پروری و هوسبازی تبدیل می‌کند و نظم عمومی را به خطر می افکند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۳۹۹). بدین ترتیب زمینه نگاه های آلوده به گناه و رفتارهای شرم آور در محیط مقدس خانواده ایجاد خواهد شد و در این میان بیشترین آسیب نصیب کسی می‌شود که برای برخورداری از حمایت های عاطفی و معنوی و درک رابطه شیرین والد – فرزندی راهی یک خانواده شده است.

۲-٤- عدم امکان درخواست فرزند پسر برای دختران مجرد متقاضی: حمایت از کودکان مذکر؟

ماده ۵ قانون حمایت از کودکان بدسرپرست یا بی سرپرست دختران و زنان مجرد دارای بیش از ۳۰ سال سن را جزء افراد متقاضی فرزندخواندگی پذیرفته است که این علیرغم مخالفت های موجود نکته مثبتی در این قانون است؛[۲۶]چراکه قطعا هدف قانونگذار صاحب خانواده کردن این گونه زنان و ارضای حس مادری آنان نبوده، بلکه هدف برخوردار کردن یک کودک حداقل از یک والد بوده که به مراتب از نداشتن والدین برای کودک ارزشمندتر است؛ به عبارت دیگر هدف دادن خانواده به یک کودک بوده نه اعطای یک کودک به دختر یا زن مجرد و اگر چه الگوی خانواده تکوالد الگوی مناسبی برای کودک نیست، ولی در مقایسه با رشد و پرورش در پرورشگاه و محروم شدن از هر دو والد، به مراتب مصالح کودک را بیشتر تأمین خواهد کرد. (صفار، همان منبع)

چراکه مصالح عالیه کودک در پرتو بهترین انتخاب در میان انتخاب های موجود محقق می شود و حتی اگر تک والد بودن را برای کودک مناسب ندانیم قطعا از بی والدینی و رشد و پرورش در پرورشگاه برای او بهتر است و این ادعا که غرض حل کردن مشکل دختران مجرد بی میل به ازدواج و خواهان فرزند است نیز درست به نظر نمی‌رسد؛ چراکه غالبا کسانی که پذیرای مسئولیت زندگی مشترک نیستند حتی اگر میلی به داشتن فرزند داشته باشند به راحتی تن به مسئولیتهای آن نداده و متقاضی نمی شوند. بنابراین به نظر می‌رسد متقاضیان غالبا کسانی هستند که آمادگی ازدواج و پذیرش مسئولیت های زندگی مشترک را دارند ولی بنا به هر دلیلی امکان آن برای ایشان فراهم نشده است. به عبارت دیگر امکان داشتن فرزندخوانده در

۲۶. مخالفان اظهار می دارند: تنها در خانواده از منافع طفل به شایستگی حمایت می شود و شائبه های دیگر در آن وجود ندارد. فرزندخواندگی نباید جای تشکیل خانواده را بگیرد و نیاز کسانی را که از نکاح می گریزند به آسانی بر آورد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۴۴۵) منفعت کودک در این است که خانواده ای کامل را تجربه کند و نفع جامعه نیز در راستای نفع کودک است. اجازه پذیرفتن فرزند توسط یک پایگاه ناقص و معیوب اجتماعی نقض غرض بوده و تخطی از طریقه طبیعی و متعارف زندگی بشری است. پذیرش چنین امری، تفسیری زیرکانه از منافع عالیه کودک است. (شریعتی نسب، ۱۳۹۱، صص ۹۷، ۹۸) گمان نمی رود طفل یا نوجوان در چنین خانواده ای که از عواطف پدری بی بهره است بتواند تربیت شایسته و درخوری دریافت نماید. (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۳۲۲)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۳۰ سالگی، انگیزه محکمی برای عدم ازدواج کسانی که قصد ازدواج دارند نیست و عدم این امکان هم محرک قدرتمندی برای ازدواج کسانی که قصد ازدواج ندارند نیست. ضمن این که شرایط واگذاری سرپرستی به متقاضی چندان سهل و آسان نیست که اطمینان به قطعیت آن و حصول نتیجه دلخواه، مؤثر در انگیزه یک دختر در عدم ازدواج باشد.

نکته ای که قسمت اخیر این بند متضمن آن است جای تأمل دارد؛ زنان و دختران مجرد منحصرهٔ می توانند سرپرستی اناث را عهده دار شوند. سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که چرا قانونگذار چنین زنانی را از سرپرستی ذکور محروم کرده است؟ آیا این به نوعی حمایت از کودک پسر در برابر پیامدهای احتمالی زندگی با شخصی که مانعی برای ازدواج با پسر خوانده خود ندارد نبوده است، در حالی که چنین حمایتی از یک دختر بچه با وجود تبصره ماده ۲۶ همین قانون نشده است؛ چراکه پدرخوانده در صورتی که محدودیت قانونی به لحاظ عدم احراز شرایط ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ برای ازدواج دائم مجدد با دخترخوانده خود داشته باشد مانعی برای ازدواج موقت و شرعی با وی نخواهد داشت چرا که ممنوعیتی که در این ماده آمده به معنای حرمت نیست (صفار، ۱۳۹۲) و حتی بررسی دادگاه به لحاظ رعایت مصالح عالیه کودک نیز در ازدواج موقت سالبه به انتفاء موضوع است؛ ضمن این که اگر بنا بود که تصمیم گیری این موضوع در دادگاه حمایت کافی از فرزندخوانده در جهت حفظ مصالح وی باشد پس همین اثر را بر وضعیت فرزندخوانده پسر و در نظر گرفتن مصالح وی نیز داشت و لزومی به ممنوعیت تقاضای فرزند ذکور برای اناث مجرد نبود. بنابراین به نظر می رسد علیرغم حق به حمایت برابر قانونی، در این جا قانونگذار در حمایت از دختر نسبت به پسر تبعیض قائل شده است.

۳-٤- حضانت فرزندخوانده در صورت فوت یا طلاق والدین فرزندپذیر: چگونگی حمایت از کودک

طبق ماده ۲۰ این قانون «در صورت فوت یا زندگی مستقل و جدایی هر یک از سرپرستان یا وقوع طلاق بین آنان، دادگاه می تواند با درخواست سازمان و با رعایت مفاد این قانون، سرپرستی کودک یا نوجوان را به یکی از زوجین یا شخص ثالث واگذار نماید. رعایت نظر کودکان بالغ در این خصوص ضروری است».

سؤالی که در این جا ایجاد می شود این است که در صورت جدایی والدین سرپرست، آیا می توان حضانت کودک پسر را با چنین دغدغه ای و با وحدت ملاک بند ج ماده ۵ این قانون به مادر خوانده اش سپرد؟ و آیا می توان حضانت کودک دختر را به پدرخوانده وی واگذار کرد؟ و یا حتی در طول زندگی مشترک زوجین سرپرست چه تضمینی وجود دارد که بین مادر خوانده و پسر خوانده اش انس و الفتی ایجاد نشود و با منتفی کردن مانع ازدواج از طریق طلاق، ازدواجی بین آن دو صورت نگیرد؛ ارتباطی که یک عامل تأثیرگذار در آن، اعلام مشروعیت آن توسط یک ماده قانونی نبوده است، چراکه پیش از تصویب این ماده، به ذهن بسیاری از والدین سرپرست حتی خطور نمی کرد که فرزندخوانده آنان زمانی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بتواند همسر آنان باشد و اگرچه مانع شرعی وجود نداشت، آن را به لحاظ انسانی، روانی و اجتماعی امر قبیحی تلقی می کردند که فی الواقع تفکری در جهت حفظ قداست خانواده و احترام به ارزش های انسانی و رابطه عاطفی والد - فرزندی بوده است. نکته دیگر این که طرح این مسئله برای گرفتن مجوز در دادگاه حتی اگر منجر به صدور مجوز نشود خود چه پیامدهایی می تواند برای اعضای آن خانواده به همراه داشته باشد و هم چنین پیامدهای روانی و اجتماعی آن با صدور مجوز ازدواج توسط دادگاه چه خواهد بود؟

۵- فرزند خواندگی بر پایه موازین اسلامی

دین مجموعه ای از معارف، اخلاق به علاوه احکام است. سه عنصری که با عنوان معارف، اخلاق و احکام نام برده شد باید با هم سازگار باشند. امکان ندارد شریعت خدای حکیم و خیرخواه علی الاطلاق مسائلی را بیان کرده باشد که در تعارض با اخلاق است. احکام اخلاقی، احکام عقل عملی است؛ یعنی قبل از شریعت و دین قرار دارد. عدالت و راستگویی خوب است و دروغ، ظلم و تجاوز به حقوق دیگران بد است. اینها احکام عقل عملی و امر خداوند است. اوامر امضایی است و تأسیسی نیست. تعداد آیات قرآن ۶۲۳۶ آیه است و در ۸۴ سوره از آیات قرآن، موارد معارف و اخلاق دین ذکر شده است؛ یعنی اکثر قریب به اتفاق این آیات، در باب معارف و اخلاق دین است (ظفری و خدایی[۲۷]، ۱۳۹۴، ۸۷).

در رابطه با مبانی شرعی ازدواج با فرزندخوانده نیز آثار ارزشمندی تدوین شده است که به عنوان مقدمه ای برای ورود به نکته مهمی از تاریخ اسلام در این موضوع که در این آثار مغفول مانده است، به خلاصه ای از آن اشاره خواهد شد.

برخی معتقدند فرزند خواندگی در حقوق اسلام به رسمیت شناخته نشده و یک نهاد حقوقی تلقی نمی شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۳۲۲) و برخی هدف این آیات را تمایز بین فرزند صلبی و فرزندخوانده دانسته و معتقدند شارع در مقام الغای فرزندخواندگی نبوده است (امامی[۲۸]، ۱۳۸۷، ۷۹)[۲۹]

---

۲۷. کنش عاطفی خانواده باعث می شود فرزندان شخصیتی متعادل یافته، افکار و عواطفی مناسب کسب کرده و فعالیتهای اجتماعی- اقتصادی مناسبی در جهت ارزش های اجتماعی در زمان بلوغ ایفا کنند. نداشتن تجربه مستقیم با پدر و مادر به عنوان یک الگو، فرزندان را از نظر کنش های اجتماعی دچار مشکل می سازد. چنین دشواری در مسائل ارتباطی را میتوان در جوانانی که در شبانه روزیها پرورش یافته اند مشاهده نمود. (امرآبادی، به نقل از رازقی، ۱۳۸۱، ۵۹) لزوم روابط عاطفی و تنگاتنگ والدین و کودکان در خانواده، جامعه شناسان و روانشناسان را به این نتیجه رساند که زندگی فرزندان بی سرپرست به دور از هر نوع ساخت خانوادگی آنها را دچار بحران های جدی خواهد ساخت. (رازقی، ۱۳۸۱، ۶۵) تعدد کانون های عاطفی، فقدان پیوستگی عاطفی و نهایتا ضایعات حاصله از محرومیت های پرورشگاهی، اجتماعی شدن فرد بی سرپرست را با مشکل جدی روبرو می سازد. (ایپکچی، به نقل از رازقی، ۱۳۸۱، ۶۵) برای اطلاع از نقش پدر در رشد کودکان و بویژه پسران (رک: فامنینی، ۱۳۹۱، ۵۷-۳۷) و رابطه دلبستگی به والدین و بلوغ عاطفی و اجتماعی در نوجوانان (رک: شکرا. . . زاده، ۱۳۹۴).

۲۸. البته برخی مراجع عظام بر حرمت این ازدواج نظر دارند. آیت ا. . . ناصر مکارم شیرازی: «با توجه به این که این ازدواج باید شرعا به مصلحت فرزندخوانده باشد و به اصطلاح فقها، غبطه او رعایت شود و این کار غالبا به مصلحت فرزندخوانده نیست و راه را برای سوء استفاده پدرخوانده باز می کند از نظر ما شرعا جایز نیست. » (به نقل از شبکه خبری صبح تهران

http://www.sobhetehran.com/fa/pages/?cid=16106(

آیت ا. . . بیات زنجانی: برای حفظ و استحکام بنیان خانواده که اصولا پذیرفتن فرزندخوانده نیز به این هدف صورت می گیرد، نه تنها عقد ازدواج بین پدر و فرزندخوانده توصیه نمی شود، بلکه به دلیل ایجاد از هم گسستگی بنیان خانواده و ضایعات روحی و روانی برای افراد جامعه و نیز ایجاد بدبینی نسبت به دین و شریعت، نوعی حکم ثانوی به وجود آورده و جایز نیست. »

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مخالفان ازدواج با فرزندخوانده دلایل عقلی متعددی را برای آن ارائه می کنند و موافقان آن بدون ورود و رد این دلایل عقلی، با اعتقاد به عبادی بودن و توقیفی بودن احکام در زمینه خانواده (زندلشنی؛[۳۰]۱۳۹۴)، ممنوعیت ازدواج با فرزندخوانده را خلاف نص می دانند و توجهی به مبنا و فلسفه تشریع آن ندارند. این در حالی است که نظام اخلاقی اسلام در عرصه خانواده، چنان استوار است که اجازه نگاه غیر قدسی را در روابط خانوادگی نمی دهد و از این رو در اسلام ازدواج مرد با ربیبه و نیز عروس، مادر و خواهر همسر نهی شده است. [۳۱]

مستند موافقان ازدواج با فرزندخوانده آیات شریفه سوره احزاب است که به صراحت بیان می دارد که پسرخوانده، پسر صلبی نیست[۳۲]به هدف شکستن سنتی در عرب که تمام احکام پدری - پسری را بر پسرخوانده بار می کرده است. نبود هیچ اصطلاحی برای دخترخواندگی در جامعه آن روز، نشان میدهد که تصور چنین رسمی برای دختران، دور از واقع است، علاوه بر این که هیچ گزارش و شاهد تاریخی دال بر دخترخواندگی وجود ندارد و کاربرد واژه «دعی» و «تبنی» که به طور واضحی دلالت بر رابطه پدر - پسری می کند نیز مؤید این ادعا است. عرب وقتی می گوید «تبناه» یعنی آن پسر را فرزند خود کرد؛(فیروزآبادی، (۱۴۱۵)، ج ۴، ص۳۲۸، ابن منظور، (۱۴۱۴)، ج۱۴، ص ۹۱) در نتیجه ما می توانیم در جامعه عرب از سنت پسر خواندگی و نه فرزند خواندگی صحبت کنیم. تمرکز آیات ۴، ۵، ۳۶ و ۳۷ سوره احزاب نیز دقیقا روی پسرخواندگی است و مؤید آن ضمایر مذکر و افعالی است که در این آیات به کار رفته اند، در حالی که در آیه ۳۶ خداوند جداگانه به هر دو جنس توجه دارد و «مؤمن» و «مؤمنه» را جداگانه نام برده است. [۳۳]

این وضعیت در جامعه عرب آن زمان استفاده کرد. زید نیز برای بیش از دو دهه فرزند واقعی پیامبر و اسامه بن زید، فرزند او، نوه پیامبر تلقی می شد. [۳۴]از سوی دیگر وی موقعیت های سیاسی و نظامی فراوانی تا سال پنجم هجری که سوره احزاب نازل شد، به دست آورد[۳۵]و از این رو با توجه به سنت رسیدن قدرت از پدر به پسر، می توانست یکی از گزینه های جدی جانشینی پیامبر تلقی شود. تأکید خداوند بر شکستن عملی این سنت در آیات ۳ و ۴ و هم چنین ۳۷ تا ۴۰ سوره احزاب، آن هم به طریقی که آن قدر نزد جامعه آن روز قباحت داشته که پیامبر را دچار حرج نموده بوده است (احزاب، ۳۸)، این گمان را به شدت تقویت

---

۲۹. برای اطلاع بیشتر رک: (احمدیان، ۱۳۹۳، ۳۶-۲۸) و برای اطلاع بیشتر از دلایل ممنوعیت فرزندخواندگی در کشورهای اسلامی رک

30. Zand Lashani

۳۱. «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء/ ۲۳)

۳۲. (احزاب/ ۴، ۵)

۳۳. وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا

۳۴. در سال ۵ هجری که حکم پسری - پدری زید با پیامبر لغو شد، وی ۵۲ سال داشت. او پس از ازدواج پیامبر و پیش از بعثت ایشان، به فرزندی ایشان در آمد. در نتیجه با توجه به سن پیامبر در هنگام ازدواج و بعثت، زید حداقل ۱۸ و حداکثر ۳۳ سال فرزند پیامبر بود. (ابن هشام (بی تا)، ۲۶۴/ ۱ ؛ ابن سعد (۱۴۱۰) ۳/ ۲۹-۳۳)

۳۵. واقدی (۱۴۰۹). ج ۱، ص ۷ و ۱۹۷ و ج ۲، ص ۴۶۰.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

می‌کند که این ازدواج با جانشینی پیامبر ارتباط داشته است.[۳۶] ضمن این که به نظر نمی رسد سنت شکنی در سایر احکام خانواده، با چنین کیفیتی صورت گرفته باشد.[۳۷] همچنین تقارن شکستن عملی این سنت، با زمانی که حسنین به دنیا آمده و در سال های اولیه زندگی خود بودند[۳۸] و وجود آیه تطهیر در این سوره، حد فاصل آیات ۳ و ۴ و آیات ۳۶ تا ۴۰ نیز حاکی از ارتباط معنادار این آیات با مسئله جانشینی و ولایت میباشد. حتی شاید بتوان گفت تفسیر و تعبیر عاشقانه از آیه ۳۷ و آزار و اذیت شدید پیغمبر که منجر به نزول آیات ۳۸ تا ۴۰ این سوره شد نیز دلیل دیگری بر هدف اصلی نزول این آیه و ناکام ماندن در موضوع جانشینی پیامبر و برای انحراف افکار از بحث جانشینی و ولایت بوده است که خود جای بررسی دارد.

آنچه از این آیات استنباط می شود این است که اولا فرزند در تملک کسی نیست که همچون یک مال، از آن اعراض و وی را به دیگری واگذار کرد؛ ثانیهٔ هرکسی حق دارد که هویت خود را بداند و با به کار بردن الفاظ، نمی‌توان هویت جدیدی برای کسی خلق و ارتباط نسبی وی را با خانواده اش منتفی کرد و ثالثهٔ نمی‌توان از آثار این رابطه جعلی مثل محرمیت یا ارث بردن او از خانواده جدید به ضرر سایر وراث یا ارث بردن از او به ضرر خانواده نسبی او استفاده نمود. نکته ای که باید در این جا به آن اشاره نمود این است که با مقتضیات زندگی خانوادگی جامعه آن روز به نظر می رسد که گرفتن پسر هم به دلایل اغلب مادی به ویژه اقتصادی، نظامی و امنیتی صورت می گرفت و هدف جبران بی فرزندی و حفظ کانون خانواده به دلیل علاقه زوجین به یکدیگر نبود، به ویژه آن که فرد می توانست پسری را به پسران صلبی خود اضافه کند[۳۹] از سوی دیگر بر خلاف امروز چندهمسری رایج و تک همسری استثنا بود و اگر مردی از زنی صاحب فرزند نمی شد، می توانست با ازدواج های دیگر صاحب فرزند شود(علی (۱۹۹۳)، ج۵، ص۵۴۷) و اگر با ازدواج های مکرر صاحب فرزند یا فرزند پسر نمیشد با گرفتن پسرخوانده این مشکل را رفع می کرد.

نکته دیگر آن که با قیاس خانواده های گسترده و رواج چندهمسری و نظام قبیلهای آن روز با خانواده های هستهای امروز که فرزندخواندگی اغلب به دلایل عاطفی و روانی انجام می شود، اگر هم دختر یا پسری به فرزندی گرفته می شد به نظر نمی رسد آن رابطه دوسویه و عاطفی پدر مادر فرزندی به ویژه با توجه به جایگاه دختر در جامعه آن روز می توانست به کیفیتی شکل بگیرد که در یک خانواده مرکب از پدر، مادر و فرزندخوانده به شکل امروزی تحقق می یابد؛ چراکه همان طور که قبلا ذکر شد ممنوعیت ازدواج با زن پدر و فرزند همسر، خود مؤید نگاه اخلاقی اسلام به این روابط است و شاید همین نگاه اخلاقی است که موجب شد خداوند به پیغمبر امر به ازدواج با همسری از همسران زید کند (احزاب، ۳۶) که به تازگی به

---

۳۶. شریح این مطلب در این تحقیق نمی گنجد.

۳۷. رک: علی معموری، امضا و تاسیس، دایره المعارف بزرگ اسلامی

۳۸. در سال پنجم هجری، امام حسین یک ساله و امام حسن دو ساله بودند. (طبری" (۱۳۸۷ ق)، ۵۳۷/ ۲ و ۵۵۵)

۳۹. علی (۱۹۹۳)، ج ۵، ص ۵۵۹. و یقع التبنی مع وجود اولا د للمتبنی و لیست له حدود من جهۀ العمر»

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

عقد زیددرآمده و جدا شده بود، چرا که آن رابطه مقدس خانوادگی در مورد أم أیمَن، همسر دیگر زید با پیغمبر وجود داشت و نباید مخدوش می شد. (ابن سعد (۱۴۱۰)، ج۸، ص۱۸۱)

در مجموع به نظر می رسد شارع به قصد پیشگیری از مفسدهای عظیم که همان تلقی زید به عنوان فرزند و جانشین وی، چنین سنتی را به شکل عملی و با این کیفیت می‌شکند و اگرچه این به لحاظ عرف آن زمان امری قبیح تلقی می شده ولی تالی فاسدی را به دنبال نداشته است و در قیاس با شرایط امروز جامعه و توالی فاسد مشخصی که به وضوح با امکان ازدواج با فرزندخوانده محقق می شود توجه به شرایط خاص نزول این آیات می تواند راهگشا باشد.

٦-نتیجه گیری

در قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲، قانونگذار از باب حمایت از کودک سعی نموده تا محرومیت فرزندخوانده از ارث را به طرق دیگری جبران نماید (ماده ۱۴، ۱۵، ۱۹) و برای حفظ هویت فرزند خوانده نیز که حق طبیعی وی می باشد نیز مقرراتی دارد (ماده ۲۲)، هم چنین حتی با این دید حمایتی رابطه والدین و فرزندان را به لحاظ تکالیف - بر خلاف قانون ۱۳۵۳- یک رابطه یک سویه به نفع کودک مقرر کرده (ماده ۱۱) و از این موارد در این قانون فراوان است. در مورد ازدواج با فرزندخوانده نیز در واقع قانونگذار با علم به آسیب زا بودن چنین امری و با نیت حمایت از کودک و ایجاد روندی برای حفظ حقوق کودک علیرغم عدم مانع شرعی برای ازدواج با فرزندخوانده تدبیری کرده، غافل از این که نتایج آن نه تنها مقصود قانونگذار را تأمین نخواهد کرد، بلکه دقیقا ضد هدف و روح این قانون و همین طور روح و نص قانون اساسی و اخلاق و عرف، پیامدهایی را به بار خواهد آورد. چنین تجویزی در نهاد خانواده خلاف حسن معاشرت و مانعی برای تحقق آرامش و مودت و رحمت می باشد که هدف اصلی ازدواج و تشکیل خانواده است و کودک را در معرض آسیب های جبران ناپذیر قرار می دهد.

آسیب هایی که با طرح و تصویب چنین مقررهای خانواده و اعضای آن و به ویژه کودک را در معرض مخاطره قرار می دهند، عبارتند از:

شکستن قبح انسانی و عرفی ازدواج با کسی که به عنوان فرزند وارد خانواده شده بدون توجه به رابطه مقدس مادر پدر - فرزندی؛ از بین رفتن قداست خانواده با رواج نگاه جنسی در آن، ایجاد زمینه گناه، سوءظن بین زوجین و سوء معاشرت بین آنان، آسیب های شدید روحی و روانی برای همسری که فرزند خود را رقیب خود تلقی می‌کند، حتی اگر واقعیت نداشته باشد؛ تحت خشونت های جسمی، روحی و روانی قرار گرفتن کودک، آزار جنسی کودک و غفلت و بی توجهی نسبت به او، رقابت و جدال و نزاع در خانواده برای تصاحب یک موقعیت جدید و نهایتا فروپاشی خانواده ای که بنا بود حضور یک کودک به دوام و بقای آن منجر شود. امکان بیشتر فسخ سرپرستی، اقبال کمتر کودکان دختر برای پذیرش سرپرستی آنان، استقبال کمتر از کودکان بزرگتر برای فرزندپذیری، هرچند قانونگذار تا ۱۶ سالگی با

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

شرایطی امکان آن را پیش بینی کرده است؛ دیرهنگام بودن حمایت از فرزندخوانده با طرح موضوع ازدواج او در دادگاه برای تشخیص مصلحت وی به ویژه این که امکان ازدواج موقت با وی و در خفا وجود دارد؛ اراده آزاد فرزندخوانده می تواند تحت الشعاع تسلط والد برای ازدواج قرار گیرد، ملاک تشخیص مصلحت در دادگاه به ویژه بعد از پایان سرپرستی و در سنین بزرگسالی چه خواهد بود و آیا می‌توان اصولا ازدواج کسی که سن بلوغ را رد کرده و به سن اهلیت قانونی رسیده را چه دختر و چه پسر موکول به نظر کارشناسی سازمان بهزیستی و تشخیص مصلحت توسط دادگاه کرد؟ آیا فاصله سنی بین پدر خوانده و فرزندخوانده و موقعیت مسلط او نسبت به فرزند برای ازدواج، خود نمی تواند خلاف مصلحت دختر باشد؟ اگر ازدواج دائمی بین آنان بدون حکم دادگاه انجام شود ضمانت اجرای آن چیست؟

دلایل عقلی منع نکاح با فرزندخوانده به دلیل زمینه سازی آسیب های جدی به اعضای خانواده و به ویژه کودک و همین طور قداست و استحکام خانواده بسیار محکم است، ضمن این که به نظر می رسد ممنوع کردن ازدواج با فرزندخوانده هیچ تالی فاسدی بر جای نمی گذارد. در آیات قرآن هم هیچ تصریحی بر ازدواج با فرزندخوانده نشده است و بنابر دلائل پیش گفته صرف آیه ۴ و ۵ سوره احزاب برای شکستن این سنت جاهلی کافی نبوده و نیاز به شکستن عملی این سنت بوده که خداوند امر به ازدواج پیغمبر با همسر فرزندخوانده اش نموده اند (آیه ۳۶ و ۳۷ سوره احزاب)، ضمن این که با مطالعه تاریخ اسلام و توجه به اوضاع و احوال نزول این آیات درمی یابیم که تجویز چنین ازدواجی بیشتر به لحاظ سیاسی اهمیت داشته و خود موضوعیت نداشته است. نکته دیگر آن که به نظر می رسد در حوزه خانواده، مقاصد شریعت تا حدود زیادی قابل دستیابی است و زمانی نیز که حداقل با توجه به مقتضیات زمان و مکان تحولی اساسی در مبنا، شکل و کیفیت یک پدیده صورت می گیرد و بار کردن حکمی می تواند به وضوح مغایر مقاصد شریعت باشد، اصرار بر آن منطقی به نظر نمی رسد، به ویژه آن که قربانی چنین تلقی، خانواده به عنوان بنیادین ترین نهاد جامعه و اعضای آن، به ویژه کودکی باشد که خود از همان سنین کودکی با آسیبی جدی یعنی محرومیت از درک رابطه والد – فرزندی مواجه بوده و جامعه خود را موظف دانسته که این وضعیت را با سپردن وی به آغوش گرم و کانون پرمهر و محبت یک خانواده، جبران و فضایی امن و ایمن برای رشد و پرورش او فراهم کند و از قبل آن پیوند یک زوج نابارور را مستحکم کند.

مغایرت این تبصره با اصول ۱۰، ۲۰، ۲۱ و ۴۱ قانون اساسی و همین طور مواد ۲، ۱۹ و ۳۴ عهدنامه حقوق کودک، با توجه به تحولات هدف و کارکرد فرزندخواندگی و پیامدهای جبران ناپذیر آن مستلزم اصلاح هرچه سریع تر این تبصره با استعانت از اجتهاد پویا و با توجه به مبانی و فلسفه تشریع چنین احکامی و به ویژه در چارچوب سیاستهای کلی نظام درباره خانواده است تا تأییدی بر قاعده ملازمه عقل و شرع و ضرری نبودن احکام اسلامی باشد و موجبات وهن اسلام و مسلمین را مرتفع سازد. گذاشتن ضمانت اجرا به ویژه ضمانت اجرای کیفری در این خصوص با توجه به پیامدهای پیش گفته نوشداروی بعد از مرگ سهراب است و صرف حذف این تبصره از ماده ۲۶ نیز کفایت نمی کند و نظر به اهمیت و مؤثر بودن

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

پیشگیری، ممنوعیت ازدواج با فرزندخوانده با ابتناء آن باید بر فتاوی ناظر بر حرمت باید به صراحت در این قانون گنجانده شود تا ممنوعیت و حرمت این نکاح، همراه با هم، ضامن قداست و استحکام خانواده و حفظ حقوق اعضای آن و به ویژه کودک بی سرپرست به عنوان آسیب پذیرترین عضو خانواده باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

ـ قرآن کریم

آیت اللهی، ز، بانکی پور فرد، ا. ح، حسینی، ش. ، حکمت نیا، م. ، سیاح، م، . . . . و کرمی، م. (۱۳۹۴). دانش خانواده و جمعیت. تهران: دفتر نشر معارف

ـ ابن سعد، م. (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ـ ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق)، لسان العرب. بیروت: دار الصادر.

ـ ابن هشام، ع. (بی تا). السیره النبویهٔ، بیروت: دار المعرفه

ـ احمدیان، ا. (۱۳۹۳). بررسی فقهی حقوقی ازدواج با فرزندخوانده. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق

ـ امامی، ا. (۱۳۸۷)، وضعیت حقوقی فرزندخواندگی در ایران، فقه و حقوق تطبیقی، تهران: سمت.

ـ حسینی کوهساری، ا. (۱۳۸۴)، پژوهشی قرآنی در خصوص جایگاه خانواده در اسلام، مجله پژوهش های دینی، ۲، ۱۶۰-۱۳۹

ـ حقانی زنجانی، ح. (۱۳۵۱)، حقوق خانواده در اسلام، قم: دار التبلیغ اسلامی

ـ رازقی، ن. (۱۳۸۱). مقایسه الگوهای دلبستگی کودکان پیش دبستانی تحت حمایت مراکز مراقبت شبانه ـ روزی با کودکان تحت حمایت خانواده در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی گرایش کودکان استثنایی، دانشکده روان شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

ـ روشن، م. ، و غدیری، م. (۱۳۹۲)، فرزندخواندگی و حق بر خانواده در پرتو مصالح عالیه کودک، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه نامه شماره ۱۳، ۱۰۲-۷۳.

ـ زند لشنی، ن. (۱۳۹۴). جایگاه حقوق خانواده در نظام حقوقی ایران از امور عبادی تا معاملی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

ـ شریعتی نسب، ص، (۱۳۹۱). فرزندخواندگی، تهران: شهر دانش.

ـ شکرا. . . زاده، م. (۱۳۹۴). رابطه دلبستگی به والدین و همسالان با بلوغ عاطفی و اجتماعی در نوجوان پایان نامه کارشناسی ارشد خانواده درمانی، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.

ـ شهبازی، ه. (۱۳۹۵). بررسی تجربه و فراوانی انواع تستیت زدایی در زنان قربانی همسر آزاری، پایان نامه کارشناسی ارشد خانواده درمانی، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.

ـ صفار، م. (۱۳۹۲). ازدواج فرزندخوانده مصلحتی بدفرجام: صد مقاله از صد وکیل، به اهتمام ف. رفعت خو، ج۳، تهران: نشر کانون وکلای دادگستری مرکز.

ـ صفایی، ح. ، و امامی، ا. (۱۳۹۳)، مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.

ـ صلواتی، س. (۱۳۹۴). بررسی واکنش به خیانت و نقش سبک دلبستگی در آن پایان نامه کارشناسی ارشد خانواده درمانی، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ـ طبری، م. ا. ج. (۱۳۸۷ ق)، تاریخ طبری، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث. ظفری، م، و خدایی، م. (۱۳۹۴)، بررسی فقهی و حقوقی ازدواج سرپرست با فرزندخوانده. مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۸(۱۵)، ۹۸-۷۷.

ـ علی، ع. (۱۴۱۳ق). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دار العلم للملایین.

ـ غدیری، م. (۱۳۹۳)، حق بر زندگی خانوادگی از منظر حقوق بشر، رساله دکترای حقوق بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.

ـ فامنینی، م. (۱۳۹۱). نقش ادراک فرد از والدگری پدر در میزان جدایی فردیت با در نظر گرفتن سبک دلبستگی در دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد خانواده درمانی، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.

ـ فیروزآبادی، م. (۱۴۱۵ق). قاموس المحیط، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ـ کاتوزیان، ن، (۱۳۸۵)، حقوق مادی خانواده، ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ـ کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷)، حقوق مدنی خانواده، تهران: میزان.

ـ لاسترمن، د. د. (۱۳۹۰). آسیب شناسی وفاداری در زندگی زناشویی، ترجمه ب. فرزین زاد، س. زنوزیان و س، واجب منفرد تهران: دانژه.

ـ مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، ج ۱۰۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ـ محمودیان، ح. ، شرفی، م. ، خوش بین، س. ، و احمدی، ا. (۱۳۸۹). دانش خانواده. تهران: سمت. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۳، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

ـ نوبهار، ر. (۱۳۸۹). اهداف مجازات ها در جرایم جنسی، چشم اندازی اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ـ واقدی، م. (۱۴۰۹ق). کتاب التاریخ و المغازی، تحقیق م. جونز و آ. کرمر، بیروت: موسسه الاعلمی.

__ Detrick, S. (1999). A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child. Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers.

__ General Guidelines Regarding the Form and Content of Initial Reports to Be Submitted by States Parties under Article 44 CRC, Adopted by the CRC Committee , CRC/C/5 (1991).

__ Lusterman, D. D. (1998). *Infidelity: A Survival Guide* (B. Farzin Zad, S. Zanuzian & S. Vajeb Monfared, Trans.). Tehran: Danjeh [in Persian].

__ Seifert, K. L. (1991). Educational Psychology. New York: Houghton Mifflin Company.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]